

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی محله غیررسمی مطالعه موردی: محله شمیران نو*

غلامرضا کاظمیان - استادیار مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی

وجه الله قربانی زاده - استادیار گروه مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی

سعید شفیعا** - کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی؛ iran_ltd@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۹

چکیده

این مقاله با پذیرش ساکنین محلات غیررسمی به عنوان شهروندان صاحب حق شهری و با انتخاب راه کارهای مداخله در ظرفیت های اجتماعی به جای بازسازی محیطی نگارش شده است. هدف مقاله معرفی سازه ظرفیت اجتماعی و ارتباط آن با توسعه پایدار محلی به تفکیک گروه های اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی است. بررسی نتایج به تفکیک دو گروه مذکور، امکان شناسایی روش های مختلف دستیابی به پایداری محلی را فراهم خواهد ساخت. روش تحقیق، از نوع توصیفی پیمایشی است. این تحقیق تایید نمود، ظرفیت اجتماعی سازه ای ذهنی است، که از انگیزه های اصلی کنش گران برای حضور در محله اثر می پذیرد. میان ظرفیت اجتماعی گروه های تحقیق با توسعه پایدار محلی ارتباط مثبت و معنی داری برقرار است، که در صورت بهره برداری هوشمندانه، دستیابی به پایداری محلی دور از انتظار نیست. در گروه ساکنین، اعتماد به نهادهای رسمی و در گروه فعالان اقتصادی، میزان اهمیت دادن به محله، مولفه های مهمی هستند که با بیشتر مولفه های ظرفیت اجتماعی همبستگی معنی داری دارند.

کلمات کلیدی: سکونت گاه غیررسمی، ظرفیت اجتماعی، توسعه پایدار محلی، محله شمیران نو، ساکنین و فعالان اقتصادی

* محله شمیران نو، محله ای است با سابقه سکونت غیررسمی بیش از ۴۰ ساله، واقع در ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران.

** نویسنده مسئول مقاله

۱- مقدمه

سکونت گاه های خودروی^۱ یا غیررسمی^۲، محصول مسائل و مشکلات برنامه ریزی و مدیریت در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد هستند، که در عین این که به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری شناخته شده است (نقدی، ۲۱۳: ۱۳۸۲)، راه حلی کم هزینه و خلاقانه برای خانه دار شدن اقشار کم درآمدی است که از سیاست های مسکن شهری بی نصیب مانده اند. اثرگذاری این محلات بر زندگی شهری، روز به روز بیشتر شده و بی توجهی به آن ها بستری برای بحران های آتی خواهد بود. موضع گیری های بین المللی در برابر این سکونت گاه ها، به فراخور دیدگاه های اقتصادی و توانایی های دولتی، فراز و فرودهای متفاوتی را تجربه کرده است. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ که دیدگاه های لیبرالی بر جهان حاکم بود، مداخله حداقلی دولت در مسائل مسکن شهری تجویز می شد و اعتقاد به دست های پنهان بازار، برای ایجاد توازن، زمینه نادیده انگاری وجود و توسعه این نوع سکونت گاه ها را فراهم نمود (UN-HABITAT, 2003: 34). البته نمی توان نادیده انگاری را همواره متأثر از دیدگاه های فکری یک دوره تاریخی خاص دانست. زیرا مصالح سیاسی بر دیدگاه های رایج جهانی اولویت داده شده است (گیلبرت و گاکلر، ۴۱۱۳۷۵). شکست وعده های لیبرالیستی برای رفع مشکلات این سکونت گاه ها باعث شد، راه کارهای عجولانه ای چون تخلیه اجباری و تخریب بولدوزری در صدر دستورات مدیران و برنامه ریزان شهری قرار گیرد و حذف ناگهانی این سکونت گاه ها امری متعارف گردد. اما آثار اجتماعی حاصل از رانده شدگان و ساخت و سازهای جدید در بخش های دیگر شهری، بستر ساز مشکلات تازه ای شد که تفکرات جدید را طلب می نمود. ورود مفاهیم اجتماعی به مبانی نظری مقابله با اسکان غیررسمی و تغییر نگرش مدیران شهری

نسبت به ساکنین این سکونت گاه ها باعث شد، نگاه های اقتدارگرایانه به نگرش تسهیل گرایانه و توجه به اجتماعات مردمی تغییر نماید (پیران، ۱۶۱۳۸۸). طی بحث هایی که در نشست مسئولان شهری در هیئتات ۲ استانبول انجام گرفت، اهدافی برای سال ۱۹۹۶ به نام "ظرفیت سازی برای شهرهایی بهتر" پیشنهاد گردید که نقطه شروع کاربردی شدن مفاهیم ظرفیت سازی برای بهبود سکونت گاه های غیررسمی است (مرکز سکونت گاه های انسانی سازمان ملل، ۲۹۳۱۳۸۸). به موازات این تغییرات در نگرش عمومی، مفاهیم توسعه پایدار در مباحث شهری جای ویژه ای پیدا کرد و توسعه پایدار شهری و محلی یکی از مهمترین اهداف مدیریت شهری گردید. به طور خلاصه توسعه ای پایدار شناخته می شود که در عین مصرف صحیح منابع و استفاده بهینه از زمین و محیط زیست، به منابع نسل های آینده تعدی نکرده و زمینه نابودی منابع تجدیدناپذیر را فراهم نسازد (نوابخش و ارجمندسیاه پوش، ۱۴۹۱۳۸۸). هم زمانی رویکردهای جدید مداخله در اجتماعات سکونت گاه های غیررسمی و توسعه پایدار شهری باعث گردید تا ظرفیت های اجتماعی حاضرین این محلات از یک سو و توسعه پایدار محلی از سوی دیگر، به عنوان متغیرهای با اهمیت شناسایی شود. محله غیررسمی شمیران نو با سابقه اسکان بی ضابطه و آسیب های اجتماعی، نمونه مناسبی از سکونت گاه های غیررسمی واقع شده در حریم شهر تهران است، که در این پژوهش به دلیل شناخت محققان و تاکید طرح تفصیلی منطقه چهار شهرداری، به عنوان نمونه هدفمند انتخاب گردید. اما این که ظرفیت اجتماعی چیست و آیا در چنین محلاتی بر پایداری محلی اثرگذار خواهد بود، سئوالی است که این پژوهش در پی پاسخ به آن است. در این مقاله سعی شده است، با شناسایی سازه ظرفیت اجتماعی و بهره گیری از نظر خبرگان، به ارزیابی همبستگی ظرفیت اجتماعی و توسعه پایدار محلی

1 Spontaneous Settlements

2 Informal Settlements

در طبقات ساکنین و فعالان اقتصادی پرداخته شود. نتیجه این پژوهش می‌تواند میزان اثربخشی و ارزشمندی ظرفیت‌سازی در اجتماعات محلات غیررسمی را مشخص نماید. این مقاله با معرفی مبانی نظری به ارائه مدل تحلیلی تحقیق پرداخته و با مشخص شدن سئوالات تحقیق و تکیه بر ابزارهای انتخاب شده به ارائه نتایج و یافته‌های پژوهش می‌پردازد.

۲- مباحث نظری

۲-۱- اسکان غیررسمی و سکونت‌گاه‌های خودروی

سکونت‌گاه‌های غیررسمی محصول نوعی اسکان است که منشأ غیرقانونی و برنامه‌ریزی نشده دارند. بانک جهانی این سکونت‌گاه‌ها را بخش‌های مغفول مانده شهری می‌داند، که از کیفیت نازل مسکن و محیط‌زیست در فشار است (World Bank Group, 1999). سند توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، (2000). این نوع اسکان را هر چند جلوه‌ای از فقر و گسترش آن می‌داند، اما آن را بازتاب کاستی‌ها و نارسایی‌های دولتی و بازاررسمی مسکن معرفی می‌کند (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۸۳). جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از توصیفات پژوهش‌های انجام شده از سکونت‌گاه‌های غیررسمی است.

پذیرش ساکنین این محلات به عنوان شهروند و سرمایه‌گذاری بر اجتماعات محلی، مسیری بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ به نام توانمندسازی و مقدرسازی ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناخته شد. فرایندی که در آن با بهادادن به منابع انسانی موجود در سکونت‌گاه‌های غیررسمی و پشتیبانی چارچوب‌های سیاسی، اداری و محیطی، توسعه این محله‌ها به دست ساکنین، در خود محله واگذار شد (ایراندوست، ۱۳۲۱: ۳۸۸). بنابراین، هر یک از کنش‌گران دخیل در محله را می‌توان مخاطبان اصلی ظرفیت‌سازی دانست که شامل کارکنان خدمات شهری، کارکنان شهرداری و نظام مدیریت شهری محلی، سازمان‌های اجتماعات محلی، مصرف‌کنندگان و مشتریان، سازمان‌های غیردولتی و بیمانکاران و تامین‌کنندگان خدمات در بخش خصوصی می‌شوند (سهیل، ۱۳۸۴: ۳۲۱). شناسایی و برنامه‌ریزی ظرفیت‌های مورد نیاز این کنش‌گران، برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و ایجاد موازنه برد-برد میان آن‌ها، مسیر تحول محلات غیررسمی را با هزینه‌های کمتر به سمت پایداری هدایت خواهد نمود. پس این سؤال مفروض است که ظرفیت اجتماعی چیست و چه ارتباطی با توسعه پایدار محلی خواهد داشت؟

۲-۲- ظرفیت اجتماعی

ظرفیت به توانایی^۲ انجام دادن اهداف و واسطی برای تبدیل داده‌ها به کارایی شناخته شده است (Lafond; Brown, 2003: 13). در این تعریف توانایی به عنوان استطاعت تقبل و قابلیت ارتقای مجموعه به هم پیوسته‌ای از هر کنش و پیامدهای آن تعریف شده است. بنابراین، ظرفیت، قابلیت استفاده از توانایی برای حصول به

اهداف است (WWFP, 2007: 13). ظرفیت‌سازی^۴ فراتر از آموزش فردی است و دارای محدوده بسیار گسترده‌ای است که از فرد تا چارچوب‌های سازمانی گسترش می‌یابد. ظرفیت‌سازی را می‌توان فرایندی از بالا به پایین دانست که از حوزه‌های کلیدی چون توسعه منابع انسانی، توسعه سازمانی، توسعه چارچوب‌های قانونی و سازمانی تشکیل می‌شود (مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۹۲۱۳۸۸). در این روش به جای آنکه به فرد ماهی داده شود، به او روش ماهی‌گیری آموزش داده می‌شود و سپس فرد، نحوه ماهی‌گیری کارا و موثر را در خود نهادیه ساخته و از آن برای محیط اجتماعی و خصوصی خود استفاده می‌کند.

ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی، در حوزه ظرفیت‌سازی توسعه منابع انسانی است. توانایی‌های مورد اهمیت در این زمینه، شامل مهارت‌ها و استعداد‌های عمومی، استعداد‌های مشارکت‌پذیری، به کارگیری کنش‌گران دیگر برای حل مشکلات محلی و بهره‌برداری از قابلیت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی است (Plummer; Waddell, 2002; Bush; Dower; Mutch, 2002). برای تعریف سازه‌ای مناسب جهت سنجش ظرفیت اجتماعی کنش‌گران محلات غیررسمی، به استناد متون مرتبط و نظرات خبرگان در مورد مفهوم ظرفیت اجتماعی، سه مولفه سرمایه اجتماعی، استعداد مشارکت‌پذیری و استعداد تسهیم دانش به عنوان مولفه‌های اصلی مفهوم ظرفیت اجتماعی شناسایی شدند.

۲-۲-۱- سرمایه اجتماعی^۵

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از پرکاربردترین عناصر در بعد اجتماعی ظرفیت شناخته می‌شود (De Vita; Fleming; Twombly, 2001: 7). اعتماد در این مفهوم عامل محرک و هدف نهایی است (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴: ربیعی، ۱۳۸۳; قنبرلو، ۱۳۸۳; گیدنز، ۱۳۷۷) که هم به عنوان محصول و هم به عنوان وسیله شناخته می‌شود. این سرمایه متشکل از قابلیت شبکه‌های اجتماعی و میزان اعتماد سیال در این اتصالات است که به عنوان استعدادی پنهان، قابلیت تبدیل به گونه‌های دیگر سرمایه را داراست. سرمایه اجتماعی در پاره‌ای از موارد به سرمایه فردی دلالت دارد که در شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد و باعث ایجاد منابع قابل دسترس فردی می‌شود. اما در پاره‌ای موارد، به کیفیت روابط یا هنجارهای رایج گروهی تاکید دارد، که به عنوان دارایی جمعی قابل توجه است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۵). غنی‌سازی کنش‌های اجتماعی و افزایش تمایل به مشارکت و اعتماد اجتماعی از جمله آثار مثبت سرمایه اجتماعی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی است، که با کاهش هزینه‌های مبادله همراه است (تشکر و معینی، ۱۳۸۱: ۳۰). با تکیه بر مقاله کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (بیران و موسوی و شیانی، ۱۳۸۵) و نگاه‌های موجود در مقاله‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده (شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵) و نظر خبرگان، مدل تحلیلی این بخش نهایی گردید.

4 Capacity Building

5 Social capital

1 CBOs

2 NGOs

3 Capability

جدول شماره ۱۵: توصیفات محلات غیررسمی توسط پژوهشگران ایرانی (گردآوری توسط نگارندگان)

جنبه	توصیف	پژوهشگر
کالبدی	شکلگیری در بخشهای غیرقابل سکونت و مکان های نامناسب.	(رفیعیانوسرداری، ۱۳۸۷)
	احداث در بخش های فرودست شهری و نبود سرویسهای عمومی شهری.	(هادیزادهبزار، ۱۳۸۴)
اجتماعی	فاقد انسجام اجتماعی مناسب در عینی که در برابر متجاوزین منسجم برخورد میکنند.	(نقدی، ۱۳۸۲)
	رواج ناهنجاریها و آسیبهای اجتماعی بیش از شهر به واسطه منشا غیرقانونی.	(حسینزاده دلیر، ۱۳۷۰)
	ساختار اجتماعی بین شهر و روستا.	(داودپور، ۱۳۸۶)
حقوقی	منشا غیرقانونی به همراه ساختوساز غیرمجاز و غیراستاندارد.	(غمامی، خاتمواطهاری، ۱۳۸۶)

می دارند.

۲-۲-۳- استعداد تسهیم دانش

آخرین مولفه شناخته شده از ظرفیت اجتماعی، استعداد تسهیم دانش است که نشان دهنده آمادگی فردی و عمومی برای انتشار و دریافت دانایی است. در اقتصاد نوین جهانی، مدیریت دانش و استفاده اثرگذار از دانایی، به عنوان مزیت رقابتی پایدار شناخته شده است، که در ارتباط مستقیم با سرمایه های انسانی است (چیت ساریان، ۱۳۸۵). در جریان بودن دانایی در سطح فردی و اجتماعی یکی از ابزارهای مناسب برای پیاده سازی پروژه های توانمندسازی است. آگاه شدن افراد محله از حقوق شهروندی و نحوه مطالبه آن، مطلع شدن از تحولات جدید محله و بهره برداری از فرصت های مختلف اجتماعی و اقتصادی، اهدافی است که یک انتشار مناسب دنبال می کند. نتایج تحقیقات پیشین حاکی از آن است که تسهیم دانش، اثری کاهنده بر هزینه ها، در جهت دستیابی به اهداف گروهی، تیمی و فعالیت های نوآورانه دارد و طبعاً توسعه ای با چنین مشخصات، زمینه پایداری را پیدا خواهند نمود (Huntley, 2005: 1162). تسهیم دانش در حالی که باعث افزایش دانایی فردی می شود، بر ظرفیت های مشارکتی تیمی و گروهی موثر خواهد بود. یک انتشار مناسب در عینی که منابع مورد نیاز را ایجاد می نماید، ارتباطات و شبکه های موجود را تا حد امکان به کار می گیرد (آصف زاده و پیری، ۵۵۱۳۸۳). بنابراین ارائه خدمات دانشی مناسب، نیازمند ایجاد محیطی است که هم از لحاظ فرهنگی و هم فیزیکی، آسان ساز و تسهیل کننده اشتراک گذاری دانش باشد (ترنتن و مک کراکن، ۱۳۸۶، ۲۰۰). بنابراین انگیزه ها، تمایلات و توانایی های فردی به عنوان عوامل مؤثر بر تسهیم دانش می باشند که بر اثربخشی تسهیم دانش مؤثر خواهند بود (نوروزیان، ۱۳۸۴: ۲۴). در این تحقیق با مراجعه به نظرات خبرگان برای ساخت سازه استعداد تسهیم دانش سه مولفه باورها، تمایلات و توان از دو زاویه فردی و اجتماعی مدنظر قرار گرفت.

۲-۳-۲- توسعه پایدار محلی

توسعه ای که مسبب نابودی خود نشده و در مصرف منابع با عدالت بین نسلی همراه شود به توسعه پایدار مرسوم است. برابری در توزیع منافع اقتصادی، دسترسی مناسب به نیازهای اساسی انسانی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر، درک الزامات محیط زیست اهداف با اهمیتی هستند که برای دستیابی به شهری پایدار، بایستی لحاظ

۲-۲-۲- استعداد مشارکت پذیری

مولفه دیگر ظرفیت اجتماعی، استعداد مشارکت پذیری است. مشارکت فعالیت ذهنی، عاطفی و رفتاری اشخاص در شرایط گروهی است که آنان را بر می انگیزد برای دستیابی به هدف های مشترک، یکدیگر را کمک کنند و در مسئولیت امور شریک شوند. مشارکت را ترکیبی از فعالیت، کمک کردن و مسئولیت می دانند. فرهنگ سیاسی، میزان اعتماد مسئولان به مردم و مردم به مسئولان و فراهم بودن مقتضیات ایجاد مشارکت، پیش زمینه هایی است که باعث می گردد مشارکتی مناسب ایجاد گردد (شیخ، ۳۱۱۳۸۱). مشارکت مردمی یکی از بهترین شیوه های سازماندهی فعالیت های مردمی در جهت حل مسائل شهری است که به دلیل نزدیکی مردم به نیاز های حقیقی محلی عموماً با تصمیمات منطقی همراه بوده و زمینه ساز حمایت های آتی آن ها از پیامد های توسعه خواهد بود (سیف الدینی، ۱۴۸۱۳۷۶). وجود زمینه های مثبت برای شکل گیری مشارکت های مردمی، به عنوان ظرفیتی برای برون سپاری پاره ای از هزینه ها و نزدیک کردن نتایج پروژه ها به سمت خواسته های مردمی شناخته می شود. این در حالی است که ایجاد اعتماد در درون و بین اجتماعات و موسسات، عامل زیر بنایی سرمایه اجتماعی است که خود، از پیش شرط های ایجاد ظرفیت مشارکت و افزایش قدرت شهروندی است (شریفیانی ثانی، ۴۲۱۳۸۰). اما استعداد مشارکت پذیری از دیدگاه خبرگان، مفهومی بیشتر ذهنی است که بر عینی شدن سطوحی از مشارکت موثر خواهد بود. در اینجا انگیزش به عنوان عاملی درونی است که باعث برانگیختگی رفتار شده و آثارش بر روی تغییرات رفتاری قابل شناسایی است (خواجه زاده، ۳۶۱۳۷۳). با فرض این که اجتماع محلی یک سازمان پیچیده اجتماعی است که از عناصر و هنجارهای مختلفی پیروی می نماید و افراد ساکن در آن نسبت به شرایط انگیزشی محیط عکس العمل های مشخصی نشان می دهند، مدل انگیزشی پورتر و لاولر به زبان این مفهوم ترجمه گردید. این مدل ارتباط میان انگیزه ها، امیدواری به دستیابی پاداش و قابلیت های فردی در دستیابی به عملکرد مطلوب را مورد بررسی قرار می دهد و در نظریه های سازمان بسیار پرکاربرد است (نیکو اقبال، ۱۲۲۱۳۷۹). این مدل که به بررسی چگونگی و چرایی برانگیختگی رفتار افراد می پردازد، تلاش را تابعی از پاداش دریافتی، عملکرد را وابسته به توانایی ها، صفات مشخصه و ادراکات و نهایتاً رضایت خاطر ترکیبی از احساس منصفانه بودن پاداش و ترکیبی از پاداش های دریافت شده

شود (کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۵).

توسعه پایدار کوچکترین پاره شهری، منوط به بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیک به گونه‌ای است که همه ساکنین حال و آینده از سطح مناسبی از بهداشت، امنیت، انسجام اجتماعی برخوردار بوده و محیط زیست مطلوب و اقتصادی پویا را تجربه کنند (Kline, 2005: 162). توسعه پایدار محلی بر پایه‌ی توسعه‌ی اجتماعات محلی بنا می‌شود و حل مشکلات از درون محله با ترکیب سرمایه‌های طبیعی، کالبدی، انسانی و اجتماعی مقدور خواهد شد و به بیانی توسعه پایدار محلی رویکردی متوجه به اجتماعات محلی دارد و این عنصر بیشترین نقش را برای دستیابی به این مهم داراست (خاکپور، مافی و باوان پوری، ۲۰۱۳: ۶۲).

مرور مطالعات نشان‌دهنده تفاوت بسیار زیادی بین پژوهش‌های غربی و ایرانی است که ریشه در دسترس‌پذیری آمار در سطح محله است. شارماد در دانشگاه فلوریدا^۱ به استخراج شاخص‌های پایداری برای واحدهای همسایگی^۲ پرداخت و سه بعد محیطی، اقتصادی و اجتماعی را برای کار خود انتخاب کرد (Sharma, 2003). ایالت اوکلند غربی با تاکید بر سلامت اجتماعی، حمل‌ونقل و اصالت بخشی فضا به استخراج شاخص‌های پایدار محلی پرداخت که ابعاد محیطی و اجتماعی را مدنظر قرارداد (West Oakland Neighborhood Groups and The Pacific Institute, 2001). جوزسا و بروان^۳ از دانشگاه مک‌گیل^۴ در اقدامی کاربردی، به انتخاب شاخص‌های پایداری در سطح محله‌های شهر مونترال پرداخته و به واسطه نزدیکی به آمار سطح محلی، بر بخش مدیریت زباله و سرویس‌های اجتماعی تاکید ویژه‌ای نمودند (Jozsa; Brown, 2005). در جمع‌بندی پژوهش‌های خارجی مطالعه شده، تاکید ویژه بر دسترس‌پذیری به فضاهای آزاد و آموزشی، شاغل بودن در درون محله و میزان آشنایی و همبستگی میان همسایه‌ها به چشم می‌خورد.

از پژوهش‌های داخلی می‌توان به کاری در مشهد اشاره نمود که با تاکید بر شاخصه‌های محیطی و کالبدی، پایداری را مورد سنجش قراردادند (خاکپور و مافی و باوان پوری، ۱۳۸۸). پژوهشی در شهر تهران با ترکیب ابعاد خلاقانه رضایت از مسئولان و دسترسی به خدمات با ابعاد اقتصادی و اجتماعی سطح محلی به سنجش پایداری پرداخته است (توکلی‌نیا و استادی‌سیسی، ۱۳۸۸). مطالعه دیگری در تهران که پایداری محلی را از ابعاد محیطی و اقتصادی مورد توجه قرار داد و در بعد محیطی به جنبه‌های زیست محیطی، ظرفیت قابل تحمل و دسترس‌پذیری پرداخت (عزیزی، ۱۳۸۵). تحقیقی در سکونت‌گاه غیررسمی سنندج، به ارزیابی پایداری محیطی، اجتماعی و اقتصادی با تمرکز بر میزان نابرابری‌ها پرداخت (قرخلو و عبدی‌ینگی‌کند و زنگنه شهرکی، ۱۳۸۸). پژوهشی در شهر یزد با استفاده از تحلیل عاملی شاخص‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی را با توجه به وضعیت کاربری‌های مربوطه دسته‌بندی نمود و شکل مناسبی از عامل‌ها را استخراج نمود (حکمت‌نیا، ۱۳۸۳). در این

مقاله با توجه به مدل‌های طراحی شده سه بعد محیطی^۵، اقتصادی و اجتماعی به عنوان ابعاد اصلی پژوهش انتخاب گردید.

۴-۲- پیشینه تحقیق

مطالعه‌ای در شهر مشهد ارتباط مثبت و معنی‌دار میان اعتماد، مشارکت و پایداری را مورد تایید قرار داد. این تحقیق نشان داد که شرط انکارناپذیر تحقق توسعه پایدار محیطی، توجه به مفاهیم ذهنی سرمایه اجتماعی و استفاده از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی است (خاکپور، مافی و باوان پوری، ۱۳۸۸). مطالعات انجام شده در بخش‌های فقیرنشین ایران نشان داد که سرمایه اجتماعی در تمیم فقر و توسعه پایدار، اثرگذار است (Asadi, Akbari, Shabanali Fami, & Sadati, 2008). مطالعه‌ای در تانزانیا نشان داد که ظرفیت‌های اجتماع محلی در پایداری محلی اثرگذار است. مشارکت بالای خانوارها در کیفیت آموزشی و توسعه اجتماعی موثر است. ضمناً سرمایه اجتماعی بالا در توسعه محیطی و موفقیت پروژه‌های شهرسازی نقش به‌سزایی دارد (Narayan & Pritchett, 1999). در مطالعه دیگری در بنگلادش مشخص شد که ظرفیت اجتماعی بهتر ساکنین با پایداری محیطی و توسعه بهتر سیستم دفع زباله همراه است (Bhuiyan, 2004). مطالعه‌ای در جاوا و اندونزی نشان داد که افزایش سرمایه‌های اجتماعی با افزایش احتمال موفقیت پروژه‌های اجتماع محور برای دستیابی به آب بهداشتی همراه است (Isham & Kähkönen, 1999). تحقیقی در بخش‌های فقیرنشین افریقا نشان داد که مولفه‌های محیطی و اجتماعی توسعه پایدار از مولفه‌های مشارکت‌پذیری، سرمایه اجتماعی و آموزش اجتماعی از مفهوم ظرفیت اجتماعی اثرپذیر است (Mathenge, Swallow, & Yatic, 2007).

۵-۲- محله شمیران نو

برای استفاده از چارچوب مفهومی و جمع‌آوری داده‌های میدانی، محله غیررسمی شمیران نو به صورت هدفمند انتخاب گردید. محله شمیران نو به عنوان نمونه درون محدوده شهری در ناحیه ۷ شهرداری منطقه ۴ قرار دارد که از شمال به اتوبان همت، جنوب به بوستان الغدیر، شرق به خیابان هنگام و غرب به یادگان نیروی دریایی محدود می‌باشد. بدلیل بکر بودن آب و هوا و وجود قنوات متعدد، ساکنان اولیه محله به فکر ساخت شمیرانی جدید افتادند. بنابر اطلاعات مهندسین مشاور طرح تفصیلی منطقه ۴، در سال ۱۳۸۵ جمعیت محله معادل ۱۳۸۷۲ خانوار بوده که بر اساس وسعت ۳۷۶٫۳ هکتاری محله، تراکم ناخالص ۲۱۱٫۵ نفر بر هکتار برای آن متصور است (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۸۸). بنابر مصاحبه‌های انجام شده با اعضای شورایی و قدیمی‌های محله، حدود ۴۰ سال پیش زمین‌های کشاورزی این محدوده در مالکیت هفت برادر بوده است که به مرور با تقسیم زمین‌های خود به قطعات کوچک‌تر و فروش آن‌ها به مهاجرین، زمینه ساخت و ساز بی‌برنامه این محله را فراهم ساختند. تمام قدیمی‌ها برای خرید زمین‌های این محله پول پرداخته‌اند و تصاحب عدوانی رخ نداده است. با توجه به

1 Sharma

2 THE FLORIDA STATE UNIVERSITY SCHOOL OF SOCIAL SCIENCES

3 Neighbourhoods

4 Jozsa & Brown

5 McGill University

ظرفیت اجتماعی						توسعه پایدار محلی														
سرمایه اجتماعی			استعداد مشارکت پذیری			استعداد تسهیم دانش			محیطی		اقتصادی		اجتماعی							
هنجارها	شبکه	اعتماد	ارزش محله	احتمال بهبود	کوشش	هزینه‌ها	قابلیت فردی	درک نقش	باورها	تعمیلات	توانایی‌ها	دسترس پذیری	زیست پذیری	مسکن	هزینه‌ها	پس انداز	فعالیت پذیری	امنیت	مشارکت	حس تعلق

شکل شماره ۱: مدل نهایی تحقیق

متفاوت، آثار غیر یکسانی در محله داشتند. ساکنین محله افرادی هستند که بیش از یکسال در محله سابقه سکونت داشته باشند و نیت اصلی آن‌ها زندگی در محله است. فعالان اقتصادی محله افرادی هستند که برای دستیابی به منافع اقتصادی از طریق راه اندازی کسب و کار در محله به فعالیت شاغل اند. با برآورد جمعیتی برابر ۱۵۰۰۰ خانوار در سال ۱۳۸۹ و مراجعه به جدول مورگان، حداقل ۳۷۵ نمونه برای طبقه ساکنین مورد نیاز می‌باشد. بنابراین با انتخاب هدفمند ۵ پهنه مسکونی، ۴۰۰ نمونه ساکنین و ۴ مسیر کسب و کار، ۱۰۰ نمونه فعالان اقتصادی به صورت تصادفی جمع‌آوری شد. قلمرو زمانی پژوهش، از مهر تا بهمن سال ۱۳۸۹ می‌باشد که جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ای به مدت یکماه، در آذر ماه همان سال صورت گرفت. برای سنجش روایی پرسشنامه‌ها، روایی ظاهری توسط خبرگان مورد تایید قرار گرفت. اما برای اطمینان از روایی سازه‌های طراحی شده، هر یک از سازه‌ها در طبقات ساکنین و فعالان اقتصادی به صورت جداگانه مورد آزمون تحلیل عاملی تاییدی^۱ قرار گرفتند. تمامی سازه‌ها با دارا بودن حد نصاب KMO بالای ۰٫۵، سطح معنی داری^۲ بارقلت کمتر از ۰٫۰۵ و بالاتر بودن میزان اشتراکات^۳ از ۰٫۳، مورد تایید قرار گرفتند^۴. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز روش آلفای کرونباخ^۵ استفاده گردید. شرط پذیرش پایایی پرسشنامه‌های فعالان اقتصادی و ساکنین، بالاتر بودن مقدار آزمون مذکور از ۰٫۷ می‌باشد که نتایج آزمون تایید کننده ابزار پرسشنامه می‌باشد. خلاصه‌ای از نتایج مذکور در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲: آزمون پایایی پرسشنامه‌های فعالان اقتصادی و ساکنین

آزمون پایایی	پرسشنامه فعالان اقتصادی	پرسشنامه ساکنین
مقدار آلفای کرونباخ	۰٫۷۴۹	۰٫۷۶۹
تعداد نمونه‌ها	۱۰۰	۴۰۰

۱ تمامی آزمون‌های پژوهش توسط نرم افزار تحلیلی spss انجام شده است.

2 Sig

3 Communalities

۴ نظرات متفاوتی برای سطح اشتراکات وجود دارد. در پاره ای از موارد توصیه شده است این مقدار بیشتر از ۰٫۵ باشد. اما در پژوهش‌های اجتماعی مقدار ۰٫۳۰ به بالا نیز پذیرفته است (۸۰۰۲.dnavhtaihG)

5 Cronbach's Alpha

نزدیک بودن این محله به بازار مبل دلاوران، مشاغل پیرو میل سازی در کوچه‌ها و زیرزمین‌های این محله مشاهده می‌شود. بخش‌هایی از محله که به دیواره پادگان کوهک محدود می‌باشند در برخی موارد کوچه‌هایی با عرض کمتر از ۲ متر دارند و ریزدانی و فرسودگی بافت محله از خصوصیات بارز آن است. ساخت وسازهای بی ضابطه و شبانه، فرایندی است که رو به کاهش است، اما همچنان عامل اصلی ناپایداری است. آسیب‌های اجتماعی و ناامنی در ساعات شب از اصلی‌ترین مشکلات اجتماعی و نبود جای پارک، سیمای ناهمگون محله، ناامنی ساخت و ساز، تنگی خیابان‌ها و نبود خدمات شهری، اصلی‌ترین مشکلات محیطی آن است. محله دارای شورایی نسبتاً فعالی است که در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای بهبود محله نموده است، اما ساکنین از خدمات آن کم اطلاع‌اند.

۲-۶- مدل تحقیق و سئوالات پژوهش

با توجه به مبانی ذکر شده، سازه ظرفیت اجتماعی از سه بعد سرمایه اجتماعی، استعداد مشارکت پذیری و استعداد تسهیم دانش تشکیل گردید. سازه توسعه پایدار محلی نیز از سه بعد توسعه پایدار اجتماعی، محیطی و اقتصادی ساخته شد. برای استخراج مولفه‌ها و زیر مولفه‌های سازه‌ها، نظرات خبرگان به روش دلفی جمع‌آوری شد و مدل نهایی تحقیق به صورت شکل شماره ۱ استخراج گردید. سئوال تحقیق این است، آیا رابطه‌ای میان ظرفیت اجتماعی کنش‌گران منتخب محله غیررسمی شمیران نو و توسعه پایدار محلی آن وجود دارد؟ ارتباط سازه ظرفیت با ابعاد توسعه پایدار محلی به چه شکل است؟

۳- روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و نوع مقطعی است که نتایج آن از طریق آزمون همبستگی استخراج گردید. لازم به توضیح است به واسطه تازه بودن سازه ظرفیت اجتماعی، پرسشنامه خبره‌ای با سبک مقایسه زوجی طراحی گردید که ضرایب اهمیت ابعاد پژوهشی را مشخص نمود. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها از محله به صورت پرسشنامه‌ای محقق ساز انتخاب گردید و پرسشنامه‌ها پس از دو بار اعمال نظر خبرگان مورد تایید قرار گرفتند.

پس از مراجعه به محله مذکور، دو گروه اصلی ساکنین و فعالان اقتصادی محله مورد شناسایی قرار گرفت که به واسطه انگیزه‌های

جدول ۳: وضعیت ابعاد و مولفه های ظرفیت اجتماعی

مفهوم	ابعاد	مولفه ها	آزمون میانگین ساکنین ^۱	آزمون میانگین فعالان اقتصادی
ظرفیت اجتماعی	سرمایه اجتماعی	هنجارها	غیررسمی	بین متوسط و قوی
			رسمی	متوسط
		شبکه ها	غیررسمی	بین خیلی ضعیف و ضعیف
			رسمی	خیلی ضعیف
		اعتماد	غیررسمی	متوسط
			رسمی	ضعیف
ظرفیت اجتماعی	استعداد مشارکت پذیری	ارزش پاداش	متوسط	متوسط
		احتمال دریافت پاداش	بین ضعیف و متوسط	ضعیف
		کوشش	خیلی ضعیف	بین خیلی ضعیف و متوسط
		قابلیت ها و خصوصیات فردی	ضعیف	بین ضعیف و متوسط
		درک نقش	متوسط	متوسط
		باورها	متوسط	بین متوسط و قوی
ظرفیت اجتماعی	استعداد تسهیم دانش	تمایلات	متوسط	متوسط
		توانایی ها	متوسط	متوسط

۱ نتایج آزمون میانگین یک جامعه با لحاظ کردن مقدار میانگین ۳ استخراج گردیده است.

اصلی این تفاوت ظرفیت، بین گروه های تحقیق می باشد. جدول شماره ۳ نشان دهنده وضعیت ابعاد و مولفه های ظرفیت اجتماعی است.

مولفه های ذهنی هر دو گروه نسبت به مولفه های عینی و عینی-ذهنی، شرایط بهتری را نشان می دهد. این تفاوت ها نشان می دهد که برای بهبود ظرفیت اجتماعی گروه های تحقیق، شاخص های ذهنی ابزار مناسب ظرفیت سازی خواهند بود.

اتصال به شبکه های رسمی و غیررسمی و کوشش فردی برای بهبود محله از جمله مولفه های ضعیف هر دو گروه است. این یافته نشان می دهد که نوعی پردشدگی اجتماعی در محیط محله حاکم است و برخلاف وجود اعتماد در حد متوسط میان اشرار اجتماعی، شبکه های اجتماعی رسمی و غیررسمی محله در شرایط مناسبی قرار ندارند. ضمناً ساکنین به دلایل مشغله کاری، بی علاقه ای به محله و فقدان توانایی های فردی و فعالان اقتصادی به دلیل شرایط بد اقتصادی و ناامیدی نسبت به آینده محله زمان خاصی را برای بهبود محله در نظر نگرفته اند. اما مولفه های مربوط به رعایت حریم همسایگان و هنجارگرایی غیررسمی شرایط نسبتاً خوبی دارد. در بخش فعالان اقتصادی باور نسبت به تسهیم دانش نیز شرایط نسبتاً قابل قبولی را نشان می دهد. پس در حالی که شبکه های اجتماعی محله عمق زیادی ندارند، ولی از چسبندگی و همبستگی نسبتاً خوبی برخوردارند. این یافته از زندگی قومی بخش هایی از محله و مهاجرت های گروهی سرچشمه می گیرد و نشان می دهد اعتماد میان شبکه ها بیشتر از نوع درون خانوادگی و قومیتی است.

با استفاده از آزمون مقایسه میانگین ها در دو گروه تحقیق مشخص گردید، ظرفیت اجتماعی ساکنانی که بیش از ۳۰ سال در محله اقامت داشتند و افرادی که بیش از ۴۵ سال سن دارند،

تعداد شاخص ها	۵۶	۵۵
---------------	----	----

برای تجزیه و تحلیل داده های پرسشنامه ها، با توجه به وضعیت توزیع متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده گردید. ضمناً برای مقایسه مقدار میانگین ها در دسته های مختلف سنی، تحصیلاتی و سابقه حضور در محله، از آزمون Anova استفاده گردید. لازم به توضیح است برای آزمون دو دسته ای جنسیت از آزمون t استفاده شد.^۲

۴- یافته های پژوهش

الف) شرایط ظرفیت اجتماعی

نتایج آزمون میانگین نشان می دهد که مقدار میانگین ظرفیت اجتماعی در دو گروه تحقیق، بین ضعیف و متوسط^۳ می باشد. بنابراین وضعیت این ظرفیت در شرایط قابل قبول قرار ندارد و نیازمند مداخله و بهبود است. در میان گروه های مورد تحقیق، فعالان اقتصادی از ظرفیت نسبتاً بهتری برخوردار می باشند که ریشه در بهتر بودن شرایط اتصال به شبکه های رسمی و غیررسمی و قابلیت ها و باورهای فردی آن ها دارد. این گروه به واسطه الزامات عمومی شغلی بایستی به شبکه های اجتماعی بیشتری متصل باشند و از مهارت های عمومی بالاتری برخوردار باشند. زیرا شرط افتتاح یک واحد کسب و کار، دارا بودن حداقل مهارت شغلی و اجتماعی و شناخت از قوانین صنفی و شهری است. بنابراین الزامات کاری دلیل

۱ آزمون پیرسون برای داده های نرمال و آزمون اسپیرمن برای داده های غیرنرمال استفاده می شود و در بسیاری از موارد نتایجی این دو آزمون به هم نزدیک اند. کمتر شدن مقدار سطح اطمینان از ۵۰،۰ نشانه وجود رابطه معنی دار میان دو متغیر می باشد (مومنی، ۹۸۳۱، ص ۱۱۱).

۲ به واسطه نرمال بودن سازه های پژوهش در دو طبقه ساکنینی و کسبه آزمون های T و Anova استفاده گردید.

۳ بین ۵،۲ تا ۳

جدول شماره ۴: آمار توصیفی ابعاد توسعه پایدار محله ای در بخش مسکونی و اقتصادی

مولفه های توسعه پایدار محلی	بخش ساکنین		بخش فعالان اقتصادی	
	نتیجه آزمون میانگین جامعه با مقدار تست ۳	ارزیابی ۱	نتیجه آزمون میانگین جامعه با مقدار تست ۳	ارزیابی
توسعه پایدار اجتماعی	کمتر از ۳	ناپایدار	کمتر از ۳	ناپایدار
توسعه پایدار اقتصادی	نزدیک به ۳	نزدیک به پایدار	کمتر از ۳	ناپایدار
توسعه پایدار محیطی	بیشتر از ۳	نیمه پایدار	نزدیک به ۳	نیمه پایدار

۱ برای فضاوت در مورد میانگین ها از آزمون "میانگین یک جامعه" یا tset Lepmas enO استفاده گردید و مقدار تست ۳ فرض شد.

میانگین های ظرفیتی بهتری نسبت به سایرین دارا می باشد. همین آزمون نشان می دهد، ظرفیت اجتماعی فعالان اقتصادی با تحصیلات بیشتر از دیپلم، از فعالان کمتر از دیپلم بیشتر می باشد. بنابراین، ایجاد ظرفیت اجتماعی در بخش فعالان اقتصادی با تحصیلات در ارتباط می باشد.

ب) شرایط پایداری محله

آزمون رتبه بندی فریدمن مولفه های پایداری، نشان دهنده نتایج مشابه در دو گروه مورد تحقیق است. ناپایداری های عمومی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد تایید قرار گرفت و بر خلاف انتظار شرایط محیطی از پایداری نسبی برخوردار بود. تنها مولفه های مربوط به فعالیت پذیری بنگاه های محله و دسترس پذیری فضاهای حیاتی، شرایط نسبتا قابل قبولی را به نمایش گذاشت. این نتایج به واسطه آستانه جمعیتی بالا و مداخلات کالبدی متعدد نهادهای شهری حاصل گردید. بنابراین ظرفیت های اجتماعات محله ای کمترین آثار را در این متغیر داشته است. در مقایسه میان میانگین ها با استفاده از آزمون کروسکال-والیس مشخص گردید که شرایط پایداری محیطی فعالان اقتصادی به واسطه دسترس پذیری های بهتر به فضاهای حیاتی، در شرایط مطلوب تری قرار دارد. اما سایر ابعاد پایداری میان دو گروه تفاوت معنی داری را نشان نمی دهد. بنابراین نتایج هر دو گروه از نظر میانگین ها تفاوت معنی داری را نشان نمی دهد.

آزمون میانگین ها نشان می دهد که شاخص های پایداری اجتماعی از شرایط نسبتا بدتری نسبت به سایر شاخص ها برخوردار است. بنابراین می توان مدعی بود، بیش از ناپایداری های محیطی عینی، ناپایداری های اجتماعی ذهنی و عینی-ذهنی محیط محله را تهدید می نماید و بیش از نیازهای محیطی، اجتماعات محلی نیازمند ظرفیت سازی است. جای توجه دارد بر خلاف تصورات، شرایط زیست پذیری محله از مولفه های پایداری اجتماعی و اقتصادی محله بهتر است. بنابر این ضلع اجتماعی مثلث پایداری در شرایط خطر قرار دارد و برای دستیابی به پایداری محلی، مداخله در آن در اولویت می باشد. جدول شماره ۴ نشان دهنده خلاصه ای از آمار مربوط به پایداری محلی به تفکیک گروه های تحقیق می باشد می باشد.

با استفاده از نظر خبرگان و اعمال وزن ها برای ساخت سازه پایداری محلی، مشخص گردید که هر دو گروه تحقیق در شرایط ناپایداری قرار دارند و این ذهنیت که سکونت گاه های غیررسمی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری است به واسطه آزمون میانگین ها، مورد تایید قرار گرفت.

ج) ارتباط میان ظرفیت اجتماعی و توسعه پایدار محلی

نتایج آزمون همبستگی میان مفاهیم ظرفیت اجتماعی و توسعه پایدار محلی در دو گروه تحقیق تاییدکننده رابطه مثبت و معنی دار نزدیک به متوسط است، این مقدار در بخش ساکنین معادل ۰,۴۱۵ و در بخش فعالان اقتصادی معادل ۰,۴۴۵، در سطح معنی دار ۰,۰۱ می باشد. بنابراین می توان مدعی بود که ظرفیت اجتماعی و توسعه پایدار با یکدیگر همبسته بوده و شانس بهبود هر یک از طرفین با افزایش طرف دیگر وجود دارد. با مراجعه به مبانی نظری می توان انتظار داشت عامل ظرفیت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل منجر به تغییرات در عامل وابسته یعنی توسعه پایدار محلی شود. شکل های ۳ و ۴ نمایش دهنده نوع و میزان رابطه ظرفیت اجتماعی با مولفه های توسعه پایدار محلی است.

در طبقه ساکنین، ظرفیت اجتماعی بیشترین ارتباط را با توسعه پایدار اجتماعی دارد که این ارتباط به واسطه همبستگی قوی سرمایه اجتماعی با شاخص های توسعه پایدار اجتماعی است. از سویی استعداد مشارکت پذیری با مولفه زیست پذیری از توسعه پایدار محیطی دارای تنها همبستگی معنی داری بود که باعث شد رابطه ظرفیت اجتماعی و توسعه پایدار محیطی برقرار شود. بنابراین می توان انتظار داشت، سرمایه اجتماعی به عنوان یک واسطه فعال، عاملی برای تبدیل ظرفیت اجتماعی ساکنین به توسعه پایدار اجتماعی تلقی شود و با ایجاد امنیت عینی و ذهنی شرایط امنیتی محیط اجتماعی را فراهم سازد.

در بخش فعالان اقتصادی رابطه ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار محیطی مورد تایید قرار نگرفت. این یافته نشان می دهد که الزامات صنفی، شرایط بهتر محیطی فعالان اقتصادی، انگیزه های فردی و منافع این گروه باعث شده است ظرفیت های اجتماعی آن ها با پایداری محیطی در ارتباط نباشد. همبستگی معنی دار میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی نشان می دهد که این گروه از سرمایه اجتماعی خود برای پایداری اقتصادی خودشان بیشتر از پایداری اجتماعی استفاده می نمایند. مصاحبه های تکمیلی نشان داد که ساکنین محله به واسطه گرفتاری های مالی و مسائل عمومی، علی رغم تمایل به استفاده از ظرفیت های خود برای بهبود محله توانایی این کار را ندارند. بنابراین عامل انعکاس کم ظرفیتی این گروه در بهبود محیط محله وجود موانع غیر محلی است. اما فعالان اقتصادی نبود سازوکارهای مناسب برای استفاده از ظرفیت های خود را عامل مداخله کمتر در محله اعلام نمودند و ایجاد شرایطی مناسب

۷

شماره چهارم

پاییز ۱۳۹۱

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات

شهرک

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

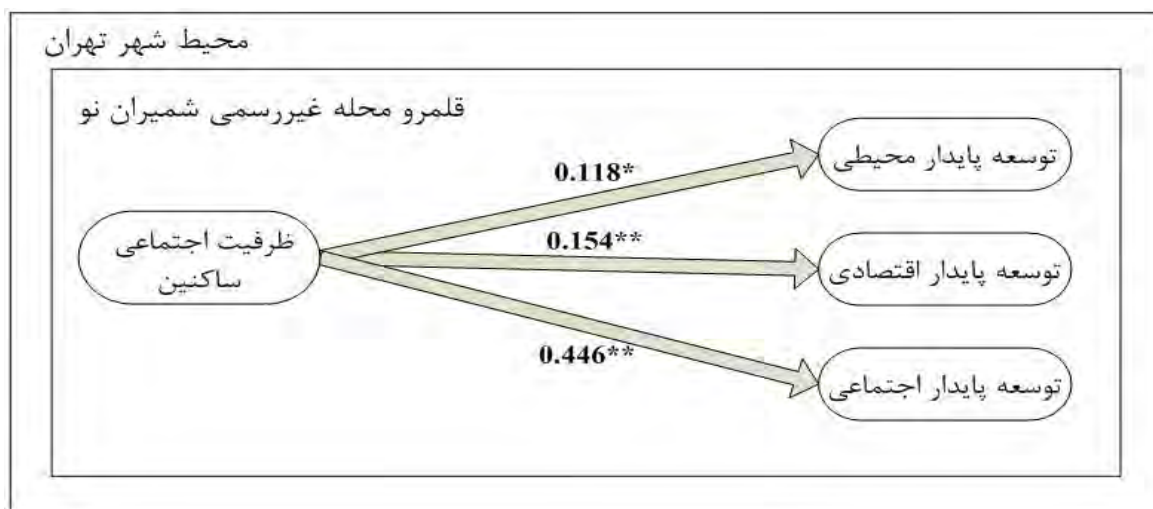
فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

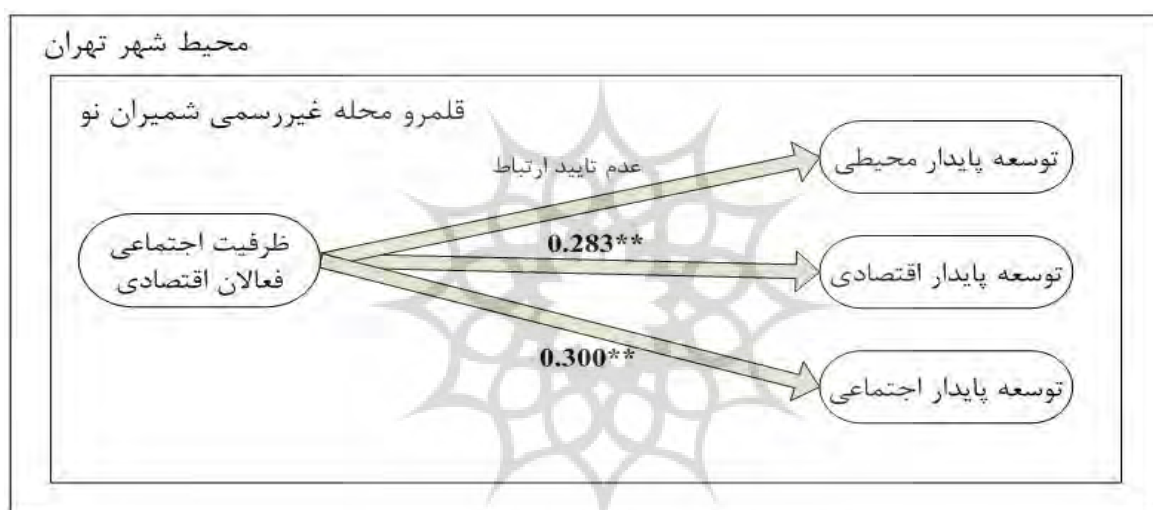
فعالان اقتصادی محله غیررسمی

دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و

فعالان اقتصادی محله غیررسمی



شکل شماره ۳: ارتباط ظرفیت اجتماعی ساکنین و ابعاد توسعه پایدار محلی



شکل شماره ۴: ارتباط ظرفیت اجتماعی فعالان اقتصادی و ابعاد توسعه پایدار محلی

۵- نتیجه گیری

ظرفیت اجتماعی یک سازه شناور است که اثرگذاری آن با ذهنیت ها و انگیزه های کنش گران محلی قابل تبیین است و برای بهره برداری از آن در جهت دستیابی به توسعه پایدار محلی، بایستی انگیزه های دارندگان آن مورد تحلیل و تغییر قرار گیرد.

مولفه های نامشهود و ذهنی مثل اعتماد به نهادهای شهری، اعتماد به دولت، اعتماد به شورای محله با سایر مولفه های ظرفیتی ساکنین در ارتباط است. بنابراین، یکی از قوی ترین ابزارهای ساخت ظرفیت در ساکنین محلات غیررسمی، افزایش اعتماد به نهادهای رسمی شهری است. در میان فعالان اقتصادی، مولفه ارزشمندی محله، همبستگی قوی تری با سایر مولفه های ظرفیت اجتماعی نشان داد و بهترین وسیله برای تقویت ظرفیت اجتماعی این گروه به حساب آمد. ضمناً طرح هایی که باعث بقای بیشتر ساکنین در محله و زمینه ساز جذب فعالان اقتصادی با سوادتر باشد، برنامه های ظرفیت سازی مناسبی به حساب می آیند.

شاخص های توسعه پایدار محلی نشان می دهد که بر خلاف انتظار،

برای همکاری همراه با اطلاع رسانی را پیش زمینه لازم برای استفاده از ظرفیت های خود برای بهبود محله نام بردند.

شواهد عینی نشان می دهد، هر دو گروه تحقیق به محدوده منزل یا محل کسب خود رسیدگی مطلوبی دارند، اما نبود انسجام و شدت مشکلات باعث شده است، این رسیدگی بخشی در شکل کلان، منجر به بهبود کیفیت محیطی و شرایط اجتماعی نشود. از سویی با استناد به مصاحبه های انجام شده، اقدامات جدید شهرداری در محله برای ساخت پارک ها و دسترس پذیر شدن بخش هایی از محله، در حالی که باعث رضایت ساکنین شده است، منجر به افزایش آسیب های اجتماعی و ناامنی های محیطی شده است. زیرا افزایش فضاهای عمومی و دسترس پذیر شدن کوچه های محله، نیازمند سازوکارهای امنیتی و نظارتی جدیدی است که در دستور کار پروژه های انجام شده قرار نداشته است. این شرایط در گروه های تحقیق باعث ایجاد نوعی سرخوردگی و نارضایتی شده، که در صورت عدم مداخله هوشمندانه، زمینه ساز کاهش اعتماد عمومی و فرسایش ظرفیت اجتماعی خواهد شد.

بزرگترین مشکل این محله مربوط به ناپایداری اجتماعی است. این نتیجه به واسطه ضعف در حس تعلق، سطح مشارکت پذیری پایین و ناامنی محله حاصل گردید. هر چند اقتصاد خانوارها نیز در شرایط نامطلوبی قرار دارد، اما آستانه‌های جمعیتی موقعیت نسبتاً پایدار اقتصاد بنگاه‌های محله را فراهم نموده‌است که بازار محله را تبدیل به بازار پایدار و پویایی نموده‌است. بنابر این شرایط اقتصاد خانوارها در وضعیت ناپایدار و اقتصاد بنگاه‌های اقتصادی، در وضعیت پایدار قرار دارد. محیط محله به واسطه اجرای برنامه‌های مختلف توسعه و نظارت‌های نسبتاً مطلوب سال‌های اخیر، از وضعیت زیست‌پذیری و دسترس‌پذیری مطلوب برخوردار است. این گمانه‌زنی وجود دارد، در صورتی که نمونه مورد بررسی در خارج از محدوده شهری قرار داشت، نتایج محیطی نیز در موقعیت ناپایداری گزارش می‌گردد.

نتایج همبستگی‌ها در گروه‌های دوگانه تحقیق نشان می‌دهد، ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار محلی در ارتباط مثبت و معنی‌داری است. بررسی روابط در سطح مولفه‌ها، نشان‌دهنده اثرگذاری انگیزه‌های شخصی کنش‌گران و الزامات خارجی، در چگونگی این ارتباطات است. به شکلی که الزامات مربوط به محیط فعالیت اقتصادی باعث شده‌است که ظرفیت‌های اجتماعی فعالان اقتصادی با پایداری محیطی در ارتباط نباشد و پایداری اقتصادی و اجتماعی از ظرفیت اجتماعی اثرپذیر باشند. از سویی ظرفیت اجتماعی ساکنین بیشترین همبستگی را با پایداری اجتماعی نشان می‌دهد. این یافته از تمایل ساکنین برای ایجاد محیط اجتماعی امن و پایدار حاصل می‌گردد.

انجام تحقیقات پیمایشی در محلات غیررسمی پیش‌نیازهایی مثل، برقراری ارتباط با گروه‌های اولیه ساکن در محله، جلب اعتماد عمومی گروه‌های مختلف اجتماعی و استفاده از نفوذ نمایندگان شورایی و امامان مساجد را طلب می‌نماید. این تحقیق در شرایطی انجام گرفت که شروع طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، نگرانی‌های اولیه‌ای را در ساکنین و فعالان اقتصادی محله ایجاد نموده بود. جلب اعتماد و توجیه نمونه‌های تحقیق، در مراحل کار پژوهش را با مشکل مواجه نمود. تحقیقات متعدد و بی‌حاصل در زندگی روزانه ساکنین و فعالان اقتصادی این محلات، باعث بی‌اعتمادی آن‌ها به فعالیت‌های پژوهشی شده‌است که شانس محقق شدن پژوهش‌های آتی را با کاهش روبرو می‌نماید.

در انتهای این تحقیق مشخص‌گردید، برای استفاده از ظرفیت اجتماعی کنش‌گران محلات غیررسمی لازم است، موضوعاتی مثل شناسایی کنش‌گران محلات غیررسمی و درک ابزارهای آن‌ها برای اثرگذاری در پایداری محلی، عوامل موثر برای ساخت اعتماد پایدار و مکانیزم‌های به کارگیری سرمایه اجتماعی موجود در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، به عنوان اولویت‌های پژوهشی مورد شناسایی قرار گیرند.

منابع

۱. آصف‌زاده، سعید؛ پیری، زکیه. (۱۳۸۳). انتشار: فعالیت کلیدی در مدیریت دانش. مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۵۵-۶۳.
۲. ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۸). سکونت‌گاه‌های غیررسمی و واسطه حاشیه نشینی. تهران: نشر شهر.
۳. پیران، پرویز. (۱۳۸۷). از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی: در جستجوی راه حل. هفت شهر، ۱۵-۲۹.

۴. پیران، پرویز؛ موسوی، میرطاهر؛ شبانی، ملیحه. (۱۳۸۵). کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹-۴۴.
۵. ترنتن، استیو؛ مک‌کراکن، کریستی. (۱۳۸۶). نقش عامل انسانی در مدیریت دانش. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۹۹-۲۱۱.
۶. تشکر، زهرا؛ معینی، محمدرضا. (۱۳۸۱). نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه. رفاه اجتماعی (۴)، ۲۵-۴۲.
۷. توسلی، غلام عباس؛ موسوی، مرضیه. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی (۲۶)، ۱-۳۲.
۸. توکلی‌نیا، جمیله؛ استادی‌سیسی، منصور. (۱۳۸۸). تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۰، ۲۹-۴۳.
۹. چیت‌سازیان، علی‌رضا. (۱۳۸۵). مدیریت دانش و سرمایه‌های انسانی. تدبیر (۱۷۷)، ۲۹-۳۳.
۱۰. حبیبی، سیدمحسن؛ هورکاد، برنارد. (۱۳۸۴). اطلس کلان‌شهر تهران (نسخه اول). تهران: مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران.
۱۱. حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۰). حاشیه نشینی در جستجوی معنی و مفهوم. اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
۱۲. حکمت‌نیا، حسن. (۱۳۸۲). بررسی و تحلیل سطوح پایداری در محلات شهر یزد و ارائه راهکارهایی در بهبود روند آن. تحقیقات جغرافیایی، ۷۳، ۳۷-۵۱.
۱۳. خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان‌پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد). مجله جغرافیای توسعه ناحیه‌ای (۱۲)، ۵۵-۸۱.
۱۴. خواجه‌زاده، مصطفی. (۱۳۷۳). انگیزش و تأثیر آن در رفتار. روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۶-۳۹.
۱۵. داودپور، زهره. (۱۳۸۶). کلان شهر تهران و سکونت‌گاه‌های خودروی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۱۶. ربیعی، کامران. (۱۳۸۳). یک بازی یک نفره. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۶۲-۱۳۸۳، ۶۵.
۱۷. رفیعیان، مجتبی؛ سرداری، محمد رضا. (۱۳۸۷). زمستان). مدل‌سازی رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری. مدیریت شهری، ۷۴.
۱۸. سهیل، م. (۱۳۸۴). شراکت عمومی - خصوصی در خدمات رسانی. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۹. سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۷۶). بهار). مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی و توسعه. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲، ۱۴۷-۱۶۴.
۲۰. شریفیانی‌ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. مدیریت شهری، شماره ۸، ۵۲.
۲۱. شریفیانی‌ثانی، مریم؛ ملکی سعیدآبادی، امیر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴۵-۶۵.
۲۲. شفیعا، سعید. (۱۳۸۹). رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۳. شیخ، ابراهیم. (۱۳۸۱). شورا و مشارکت - کاربرد روش‌های مشارکتی در مدیریت شهری. تهران: فرهنگ‌واندیشه.
۲۴. عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی. رشد آموزش علوم اجتماعی (۲۹)، ۳۲-۴۰.
۲۵. عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۹۵-۲۲۳.
۲۶. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۰). توسعه پایدار - برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی. صفا، ۱۵-۲۷.
۲۷. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا، ۳۵-۴۶، ۱۳۸۵.
۲۸. غمائی، مجید؛ حاتم، اعظم؛ اطهری، کمال. (۱۳۸۶). مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۹. قرخلو، مهدی؛ عبدی‌یونگی‌کند، ناصر؛ زنگنه‌شهرکی، سعید. (۱۳۸۸). تحلیل سطح پایداری شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مورد: شهر سندنجد)

- Development: Enhancing the Social Capital of Research Organizations Addressing Rural Poverty and Environment in Africa World Agroforestry Centre, Nairobi: ICRAF.
51. Narayan, D., & Pritchett, L. (1999). Cents and Sociality: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania. *Economic Development and Cultural Change*, 47(4), 871-897.
 52. Plummer, Janelle; Waddell, Steve. (2002). Building on the asset of potential partners - focusing partnerships. London: Earthscan Publication.
 53. Sharma, Rupa. (2003). SUSTAINABILITY INDEX FOR RESIDENTIAL NEIGHBORHOODS. Florida: THE FLORIDA STATE UNIVERSITY SCHOOL OF SOCIAL SCIENCES.
 54. UN-HABITAT. (2003). THE CHALLENGE OF SLUMS. London: EARTHSCAN.
 55. West Oakland Neighborhood Groups and The Pacific Institute. (2001). West Oakland Indicators Project Chemicals in the Environment. Human Health, Survey Approach. Retrieved from http://www.chemicalbody-burden.org/hb_cs-westoakland.htm.
 56. word bank group. (1999-2000). Cities alliance for cities without slums. Retrieved from citiesalliance.org/citiesalliancehomepage.nsf
 57. WWFP. (2007). Capacity-building Framework For Partners and Stakeholders Civil Society Human and Institutional Development Programme (CHIP). Pakistan: World Wide Fund for Nature Pakistan.
 30. کینرلو، عبدالله. (۱۳۸۳). در خوب و بد سرمایه اجتماعی. (اسفند، تدوین) کتاب ماه علوم اجتماعی، ۷-۶۶، ۷-۶۶.
 31. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: مرکز.
 32. گیلبرت، آلن؛ گالگر، ژوزف. (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه (ترجمه: کریمی ناصری)، تهران: شهرداری تهران.
 33. مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل. (۱۳۸۸). شهرها در فرآیند جهانی شدن: گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی ۲۰۰۱. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
 34. مهندسین مشاور عرصه. (۱۳۸۸). طرح تفصیلی منطقه ۴ شهرداری تهران. تهران: مهندسین مشاور عرصه.
 35. موسی کاظمی محمدی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها. تحقیقات جغرافیایی (۶۲)، ۹۴-۱۱۳.
 36. نقدی، اسدالله. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری. رفاه اجتماعی، ۲۰، ۲۱۳-۲۳۴.
 37. نوابخش، مهرداد؛ ارجمند سیاه‌پوش، اسحق. (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری. تهران: جامعه‌شناسان.
 38. نوروزیان، میثم. (۱۳۸۴). کاربرد مدیریت دانش در بخش دولتی. تدبیر، ۱۵۶، ۲۴-۲۹.
 39. نیکو اقبال، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). ابزارهای انگیزشی سیاست مدیریت. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۲۲-۱۲۵.
 40. هادی‌زاده بزار، مریم. (۱۳۸۴). حاشیه‌نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد: برزین.
 41. Arthur, B. J; Huntley, L. C. (2005). Ramping up the organizational learning curve: Assessing the impact of deliberate learning on organizational performance under gainsharing. *Academy of Management Journal*, 6, 1159, 1170.
 42. Asadi, A., Akbari, M., Shabanali Fami, H., Irvani, H., Rostami, F., & Sadati, A. (2008). Poverty Alleviation and Sustainable Development: The Role of Social Capital. *Journal of Social Sciences* 4 (3), 202-215.
 43. Bhuiyan, S. (2004). Unveiling the Face of Social Capital: Evidence from Community-Based Solid Waste Management Initiatives in Urban Bangladesh, unpublished PhD thesis. Bonn: University of Bonn.
 44. Bush, Robert; Dower, Jo; Mutch, Allyson. (2002). Community Capacity Index (ver 2). Queensland: University of Queensland.
 45. De Vita, Carol J; Fleming, Cory; Twombly, Eric C. (2001). Building Nongovernmental Capacity: A Framework for Addressing the Problem. In C. J. De Vita, & C. Fleming, Building Capacity in Nongovernmental Organizations (5-33). Washington D.C: The Urban Institute.
 46. Isham, J., & Kähkönen, S. (1999). What Determines the Effectiveness of Community-Based Water Projects? Evidence from Central Java, Indonesia on Demand Responsiveness, Service Rules, and Social Capital, Social Capital Initiative Working Paper No. 14. Washington, DC: The World Bank.
 47. Jozsa, Alex; Brown, David. (2005). Neighborhood Sustainability Indicators Report on a Best Practice Workshop. Montreal: McGill University.
 48. Kline, A. (2005). Social capital, The social economy and community development. *Development journal of Oxford University*, 140-173.
 49. Lafond, Anne; Brown, Lianne. (2003). A guide to Monitoring and evaluation of Capacity Building interventions in the Health sector in developing countries. Chapel Hill: University of North Carolina.
 50. Mathenge, M., Swallow, B., & Yatic, T. (2007). More Effective Synergies for Sustainable